



# مكتبة المصطفى

مخطوطة

منظومة في حق عقائد أهل السنة والجماعة

المؤلف

مجهول



Handwritten text in Arabic script, visible on the left edge of the page, possibly from an adjacent page or a marginal note.



تسبب في القبول وال...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...

**أما في النفي لا تسبب في...**

...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...
...	...

**أما في...**

...	...
...	...

منه



بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلید بر بسمه کز ار علیک صدارت خصلتی نظم الهی شریف نشان امرع ابتداء شنا سلطاندر الحمد لله نه زیبا خصلتک صلاقی مخبر غنمه صلاقی ارباب عالم	رواجی درونی باار علیک اقالم کلامک پادشاهی شنا مشتمل مشکلات در در دیوان هوشام و حکماء ایکی دنیاوه مستلزم غمانی رسول الله تبعیله اله
--	---

**این در بیان سبب تألیف الرسالة**

خطورایلدی و قلبه کاه کاهی عقائد انجوسندان بر قلاده طریقته اولان صبر عقیده بازم شرح مؤققتن مسافل امام عظم کلام فقده اکبر حلاوتده نر بکر زنده صبر بلمه بزرگه بوقنده علم حالی بر نظر سندن و نشانیک سزای	عنایت الهیه فضل الهی ایدم زینت عروسی اعتقاد اوله یستند بر مهر خرنوب مقاصد بکر زنده حاکم بوقلم کلشنده حوض کوشر غذای روحه تا روز حشر فطرون توبیه بوقلم اللالی بیان اهلست اعتقادی
---	---

**در بیان صفات سلطینه و نبوتیه**

شکیلی بوق الهی واحد مکرمه تعالی شان علیا صفاتی	بتون دنیا و بگو شایه مکرمه شعین ذاتی در زینت ذاتی
---	--

امام عظم کلام  
صبر و صیانت  
انجم نه عرضی  
نظاره ایضا  
تعالی شان علیا  
بک ارجح کوی  
نه مولود اول  
زمان جاری  
بیتا سندن بوق  
کاه اوله لور  
بلا احوال  
جهان در حال  
عبادت اعتقاد  
جهان کاه اول  
بشخص انجوسندان  
بوقلم کلشنده  
فطرون توبیه  
بوقلم اللالی  
بیان اهلست  
اعتقادی

سید



عزیزان رحیم  
 من الجسم  
 ورومی بار بار ملک  
 لامک بادشاهی  
 شمل مشک کز  
 ان هوشام و حکما  
 و مستلیم جان  
 فیه تعین ال  
**الرساله**  
 فصل العی  
 وروسی اعتقاد  
 و بر مظهر خرد  
 زخرفه حاشی  
 تاد خوش گوش  
 صدر زارون حشا  
 یه بنظم اللالی  
 شت اعتقادی  
**تشیه**  
 او کون شایه  
 در زعفرانی

سکر نقل آندی ذات صفای و کلام و فعل کون و آوازه نضوی از دکل اصلا مقصود تعضد نجزیدن معصرا تکاشانه قایقو لوات عمار مستعد نذر تمسکون نضوی بری اولو اند تو ال تجودن منقذ لا یزاله ز مساع و سوله در لک کوه الفک و ارد فرقه حاکم بوکده و ارشاهدم نقل نقلی جهان فرمان آوزن مبتدود عبادت نده در عبود عاند بود و عمل کتیدان استفا ده ضرر کفر خنداوند و کرمیه حکیم و قلد و مختار و د انم مه تاباند بزکا هی هلاک له منافع یوتی خونی خفت سوده تقا یسدن منقذ لا یزاله	امام عظم کتایم و دوا فی بر و سع و حیات و علم قدر نجسم نه مرض بریم ز جوهر نظارین تقا یسدن مبتدا تناهید ز برک او بز و کبر کون یکن ایکن کی از کیم ممکن نه مولود و ایضا ز نرو ال زمان جاریه و کلدره بحاله چقا استد یوق افه برده اکا ایجه لور بر شی درین کیم بلا ایجاب بر و هر شیده فعلی تاملین ای تبه عاجز بر غشی در جهان ز جمل او لور مستعد و اب عبادت نفع در عاید عباد جهان کتا اول و ایضا سده بحث خلق ایلمز قیوم و عمال دیلرسن تم حکمت لا محاله نظر قول عالم کون فساد فرقع و هم او نسا بزکا له
<b>پایان کلام</b> الله تعالی و کل و جنس و فی و صوت و صامت	<b>پایان کلام</b> الله تعالی قیوم و کل و کلام الله ثابت



بوتختی ازین در مشهور و معروف کلام لفظیه صمد بحس در	کلام الله قرآن غیر مخلوق و خلق مخلوق و اکا ترک او و مد
---	---

**در بیان برتریه الله تعالی**

بقا دادند چنانچه در قرآن بود است که زین ذکر و تک لا مکان جز در عقل و نما و جود می گردد مؤمن بر وجود چنان بود نموده و در حق ایاست بنا و عقل نظر او را از اجمال	او بود بر هر کس نظر که عقل او را از حدیست جدا و فی نقوله مستند بر قدر بیوی گردد حدیست و ذوق عالم و دان یکوی بیجا بودن سرو است عجز سران اصل اعترافه
--	---

**در بیان افعال عباد الله تعالی**

خدا خلق را با افعال عباد می خدا در خالق ایمان و کفر است خدا قادر و مشفق قهار مجید بفرستد و او کند کار کلان علم او نبود و خلق را او ندهد من خالق نعم مستسر علم او بعد فعل اختیار می بر خیزد اختیار و علم خدا طلب اوست مستور آنچه ما تریدی نه تو بیست که جود می بود خدا خلق را بر حق عباد است	اگر در حکمت است استادی خدا در وجودی کفران و شکر مصدق خلق او را و ایاست خدا در اول و اول کار کلان اول و اول عقل او را و خلق خدا در غیر و او بر مشور و کلام در جبر و اضطرار اول و او کار و مشاور که خدا در جبر و اضطرار اول امر بین امر است که بوتختی ازین در مشهور و معروف
---	---

برآمد

باعتبار اعیان او بود  
نرمطی و نه اعیان  
باید اشهر تا بود الفکا  
بمذاهب و علم فطوره  
**در بیان افعال عباد**  
صدا و اعتقاد بر محبت  
نور جبر و بویک است  
میزان عقل و اهل  
نجه مؤمن او را و اهل  
ضربیه از دنیا و اهل  
بجایه از دنیا اول قوم  
و اهل عقل الیه در کار  
کار او را و اهل شهرت  
نه استحقاق او را و اهل  
خدا را و اهل و بر سر  
نکته و بر سر خلق  
از او و اهل افعال است  
باعتبار اعیان او بود  
باید اشهر تا بود الفکا  
بمذاهب و علم فطوره



بر امرت انبیا و پدید آمدن وحی	ذاتند که غیر بر بود و بود
نرمط جبهه تا اهل شعر بود	پروانه کفر و بدعتت بر بود
بلند و اشعری او و لشکر ارم	بزم ختار بود و اختیار ارم
بروز و آمد علم فعل و اهل علم	مخزن فعله انجمن بر محله

**در بیان هند صفت جبریت**

فلسه و افتخار و جبر محضت	خلق اولی و ثانیه کبر محضت
قدر جبر بر کسب اختیار	بوصرف قدرت بر تقدیر کار
میز بطنش مختار هر ایشد	وجود پرده شخصی بر نشد
نخود طومر از دور و شخصی افوی	تکالیف مستطیل از دور و عوی
شرویتان دین و اولد منکر	امام عظم در بر می دنگش
بجوشم آدی اول قوم خیشی	مجموعی همه الامت حدیشی
خدا قدر الیدون نه لایق	عباد الله در فعله عسالیق
کبار ماورا الشیخیه حد	دید و حال مجوس بر تقدیر حد
نه استحقاق و اربیلان معینه	جزا واجب در کل ریت و کربیه
خداوند فضل و بر علی ثوابه	خداوند عدل در خلق معاین
نه کله خبر بشر تحت قضایه	قیحک ضعیف در مرض خدایه
اول و بعد مع الفعل استطاعت	بر انکار کالیج بر عصیان طاعت
دینک تکلیف قبل الفعل استمال	تذره حد معین در بر سوال
جوابیک در که کاه استطاعت	دیفره قصور اولو ریت است
بود و معنی خسر وقتند	عالمه علی الناس استند
سناط صحنه تکلیف انسان	بود معنی محقق اتمه فیسان

قرآن غیر مخلوق  
 و قیامه ترک او بود  
 طایفه  
 هر که کی نظر کند  
 از جنت شادمانی  
 مستند بر کوه بود  
 بود و ماسوا  
 عابدین روایت  
 تا اهل افتخار  
 عقالی  
 تا آنکه استنادی  
 وحی کنیزان و شکر  
 بر او را که از جنت  
 را در بار کشتان  
 بر زبان امر و حکم  
 بر او بر میوشد  
 و خیر اضطرری  
 شان که صاحب  
 صفت هر که بر وی  
 بر امریت کید کند  
 نه در بر منور  
 بر امریت



**در بیان تکلیف ما لا یتعلق**

تکلیف تکلیف ما لا یتعلق حیوانی بوتکلیف کوری بر حیوانی قاضی بجهت ایمنی ایمانده تمکن	وکلای سعادت و شکر و طاهر حکیم حکمتی شکر لایق مخیر و در تکلیف غیر ممکن جوابی بحد معلوم تابع بمقتور ایضا اهل شکر قبول و در صورتی که اولی و اولی
--	--

**در بیان الاجل المقدر**

اجل کلامی در وقتی است بهر برین جوی شکر و طاهر در اجل که قبل موت ایجاب حکیم از حق استله کلامی	وکلای سعادت و شکر و طاهر بوحکم اقبال کتب او است بمقتور بقسمه مخالف بر خلاف طبیعی در اجاب اختیار می
---	---

**در بیان الرزق**

هر امر رزق در اهل جنس ندمکن بحدی که رزق جان	کو و قوتی بر رزق هر کس بینه و رزق بر غیر انسان
--	---

**در بیان عذاب القبر**

عذاب قبر و انکاف لعین مرازی و فضل بزرگ عزت بحدی که انکار و انکار نفسی و انکار و روز حشر که از انواع ابدان عتیقه	و حق بعضی صفت مؤمنین بود تقوی اهل خیر و طاعت کو و کبر و کبر و اولی حقیق قبول شدن چهار وقت است فرد و قیامت الحقیقه
---	---

در حشر

در وقتی که شکر و طاهر  
تکلیف تکلیف ما لا یتعلق  
بوتکلیف کوری بر حیوانی  
بجهت ایمنی ایمانده تمکن  
دیسله کلامی بر ایمانده  
کلیف ضایع بود معنی ظهور  
جدید بود و قوتی شکر و طاهر  
اجل کلامی در وقتی است  
بهر برین جوی شکر و طاهر  
در اجل که قبل موت ایجاب  
حکیم از حق استله کلامی  
هر امر رزق در اهل جنس  
ندمکن بحدی که رزق جان  
کو و قوتی بر رزق هر کس  
بینه و رزق بر غیر انسان  
عذاب قبر و انکاف لعین  
مرازی و فضل بزرگ عزت  
بحدی که انکار و انکار  
نفسی و انکار و روز حشر  
که از انواع ابدان عتیقه

**در بیان معاد**  
اولی و خدای و است  
بانه حکم در دنیا  
هر چه سجد و تسبیح  
شکر و طاهر و اولی  
خوبی و طاعت و اولی  
نمایند روز رزق و طاعت  
بوتکلیف تکلیف ما لا یتعلق  
**در بیان ع**  
قیامت و تقسیم  
و اولی و انکار و اولی





بدین سخن منکر فلسفه  
ترا زین عمل معتزله ظاهر  
هاتیر عمل جمله فکرم  
قیامتیه اینده هم سوا الی  
محققه وجود حق کوشش  
جهت کبریه اول قلدن آنچه  
کیا ترا جلند ایله شفامت  
برصامت و اور وجودنا روینت  
بقاسینه دلیل اهل همت  
مخلد حوری خلد برینت

مطرا ربا بنه غیر حقی در  
بشکر کیشیق رکنه قاصر  
کلور صاف و سوله مشافه  
بلور کن عبدک وار سوا الی  
ایده بن نشینه هم میسر  
قله در دخی کسکنده نتیجه  
رسول توحی دار بار طاعت  
بقاسین حکما بیارا عملت  
تبار و شتر اجماع اقتد  
نیا از نذر برضا از نیتک

**در بیان معراج رسول الله صلا الله علیه وسلم**

اولا تو خمیل و له شاه اولاد  
براقه مکه دن بینکل و سرورک  
حرمدن سید و قصایه اوردی  
شیخه جیل اولدی و ده تایی  
فعل اولاد اولدن انا و شاد  
نمناغ قدره قعه بو حاله  
بوزخیزه تخیدن صداده

شیخه حج قلدی سورا قلکه  
کا بندج بودنا موس اکبر  
سجاد زینت اولدی و اوردی  
نه قوشک بلکه هر شکا فکای  
ایر شزار اول مقدم عقل نقاد  
بود مزله حال ابق حواله  
در ای حیجان اذی کاسر بعید

**در بیان علمای قیامت**

قیامتدن مقدم اولد لعلات  
دخان و دانه هم نار و دجال

ظلمه ایله کلور ووز قیامت  
مطلوع شمس بیرون بشو حال



دی باجموع بنا جو جل خرواچی  
 تریل حضرت مسلمان سر سید  
 بلا اشتراط ساعدا کر کشیم  
 وایو الله تعالیٰ ساعیدر  
 میخصیضه کویا زمشکد شتاری  
 مستقیم علومه موتها لم  
 نظمو اولیو عین ازوه جمالت  
 ویر فتویٰ ناسه شخص جاهل  
 نه مستقی نه مفتی خبره ساهی

ایرویت سوا سکندران عمری  
 دتوا وح حشفه لیلو ابقا علم  
 زجمع المیر سائلون صغیر  
 فتوا شریک اولیا یتیدر  
 مقصود الیشس شرحن مبارق  
 حدارس هندرس قلمها لم  
 زنا جهره وایوای ضلالت  
 حلالک لور قوسول و سائل  
 اولو اهل اشکلات بشره داعی

**در بیان الکبائر**

کبائر بعد از اول بقا و سز  
 غلوه بکل نارین حجیمک  
 وکل جبط الین طاعتا سنی  
 اولو رسد تو بر سن برید نمون  
 حره صغیر کل شرک کناهی  
 صغیر صغیر قوف اولان ای  
 صغیر جرم ایچون جائز عقاب  
 قبول ایله دعای مرتب الله

هر چه معصیتدن کفره وار سز  
 اولو فقراتی مرتبه و سز  
 کبائر ایچرم کفر کت ماعدا سنی  
 وکلدر منع صغیر صغیر  
 یار بر بشرت ایله بر سه بیگوان  
 کبیر جرمه مؤمن از نکاهی  
 کبائر و فو هاستک اجتنابی  
 خلوه ایله اولو سز هر چه کبیر

**در بیان وحدان الایمان و الاسلام**

دیدم ایمان و اسلام و کتوا حد  
 بولم از بر بر سنر بقصا و قی

بوحکما هل سنر جمله الله  
 بر صغیر ایله وحدان و کبیر

خلوه

صغیر قلم ایله ایمان  
 ان الله سز ایقن بر  
 بولم از ان حق اولو  
 نیکه صغیر بر سه  
 یاز صغیر کناهی  
 قرانم نظمو ایچ  
 باران اما کناهی  
 مجود مظهر اولو  
 بود جرمه بر سز  
 بود هر چه کبیر  
 جمان عیار اولو  
 مشد صغیر قوف  
 نه کبیر هر کناهی  
 شکر اولو بر نظر  
 نریا اشکوه ذک  
 امام نظمو بر سز  
 خلوه قلم ایله ایمان  
 دیدم ایمان و اسلام  
 اولو سز هر چه کبیر  
 مشد و نه بر سه



<p>برسوله فخره اقرار خلق          نه کلامه به رسوله مستطاب          قبوله فخره باده بکده نقصان          برین کلامه پیش بعضی مسائل          نایمان کسور نمکنی از سر          نبار ما اولیه ایله لالت          بواشونه مراد انجی همای          زیاده اولش ایمان صحابه          مفصله مؤمن به ده زیاده          حیفه تکبار نشا فخره          ظهور اوله بجهدن مستفاده          شیهه کی بود ما اندو بدو          یقینته رسول انشوا جانه          فالوری بری شکل بر کلید          عمل ایمان جز می دکل می          برسونه تحقیق کزار فخره کولدر          دیسه ش مؤمن حقه بوجان          بک خاله او مشر بیا سه          بلویمان اولدی بی کسب حاجز          ماکله خلق ایمان اولدی بو معنا          عجز اولدر که مؤمنده مقلد</p>	<p>تعمیر قلبیله ایمان انا نسق          انا مقدر اذین بود و کتاب          بواجله انا نسق اولدی ایمان          زیاده مؤمن به ده قایل          یازده مش کتاب فخره اکبر          فخره و تم نظیری بعضی ایات          یازده امامک وار جوا می          مجده مظهر اولش خطابه          بود جوهله بیا هیله فخره          بود جوهله بر وجه احسن          جهان انبار اوله زیاده          مثلدر ضعفه قولدن کرید          نه بیکر هر کلون مؤمن جهان          ششم اولسه بر نظمی کلید          ترای نشو بو قتل اهل علمی          امام اعظم برورش جز کولدر          خلوه قلبیله ایمان فخره          دیسه ش مؤمن الله بیا سه          دیکه ایمان مخلوق اولدی جائز          اولدی شونجه ش تعالی          مقلده نه در و جید شری</p>
--	---

سکندر اولدی  
 سقا اولدی انا نسق  
 یسائلدن مسجون  
 اولدی ایتیدار  
 شش شخص مبارک  
 در بر قلعه ای  
 انواع ضلالت  
 مؤمن سوال و سوال  
 الا نشو داعی

دکتره واروس  
 رب و بر جوهله  
 فرات مایه ای  
 مؤمنه سن  
 اولدر سه بکلان  
 مؤمن اولدی  
 سکا اجناسی  
 و سفلو بر کلام

لام  
 جوهله شاهد  
 ماکله اولدی  
 مؤمن



مقلداً تقاضی من بر او شکر است  
 بوز بویزه دیگر عامی مناسب  
 وایمان زینوا بهی هم حقیقی  
 بری دنیا بری عقیده ظاهر  
 کمال حکمت رسال و سلسله  
 نه جاندری شرا نبیاد  
 پیشتر و بعد از سال پیشتر  
 مبر در این مطلق کفر و دن  
 صفیر مثل ز طیفین جنبه  
 بیخستی و عیب و شفا سوس  
 دم بعفت برنگ کچی صغیر  
 امام عظیم تر منور و نور شی  
 عیون مستطی غم الما علی  
 کرده انبیا یا اول آدم  
 مجد انبیا انک افضلید  
 یقین یوق عدوه انبیا یید

مطابق چاهم انامیر ثابت  
 کماهی ترک استدلال واجب  
 مرتعب و معنی حقیقی  
 بر این روی تبارین با هر  
 عبادت لطف و شرع سلسله  
 خصو امیران خرق عاده  
 اعانت در خیر و خیر و شرف  
 کیا زدن و حتی وضع سحر دن  
 بیختمرا کامیل و محبت  
 بیبدن منقذ در مثل کما سر  
 تقد منور در مثل کبیر  
 کتاب خفته آگه ده بود روی  
 یوق اصلاح بر گناه از نکای  
 اکا آخر محمد خذ عالم  
 بو حکم شاهد تصدیق جلید  
 بوخته نظیر کیم ایلر عاید

**در بیان انصلا که عظیم السلام**

عباد الله در حمل فرشته  
 ز کور تدف انوشیدن بر لید  
 پیشتر هر رسول افضل مکلف  
 مکلف و دن و مثل میریل و مثل

عباد الله اطاعتیه مشتمه  
 ز کفل و شرف و شرف و شرف  
 ز اول کفر و اکل ماکدن  
 سزا قبل نظیری مثل میکال

تا مشتمه  
مکلف



دو مرتبه از آن حاصل می آید	بدرستی و در حق بیستون و مائیک
نیز در تفسیر برین و فضل	کتب در معتبره به یوم افضل
مفضلند و کله وین عوامه	صاحب و تا بین اهل کرامه
بدرین حکم ساز و مسلم اصل	مکملین عوامه ای مکمل
مکملین و کله شیطان مار و	شله حدیث و او کینه و اید
کله هاروت و ماروت ظاهر	ایچونیز و حکم غیر کاف

**صاحبان حکما و انبیا و ائمه علیهم السلام**

کلمات و لحظه در شبیهه	بوی انکار و اید و قوم بلهه
عطا و عطا و لا اله الا انت	اول حقه سوان قاصی و
معاصد و تجزیه غایت	بدرستی و در المقدون غایت
کرامت تفریق و قلی ساده	بلاد دعوی و تفریق عاده
سوفند مقدم هر علامت	ذکله و تجزیه در بر کرامت
تواتر له و اید و اویت	کتاب و سنه و مشد و حکایت
طعام و اشربه و هر وقت حاجت	ظهور بر مرید و ایدی کرامت
کتور و هر طرفه العین و اید	حضور و مشد و اید و اید
سکینه اگر بقا نمک ککلم	کرامت و اید و اید و اید
عزاساری و اید و اید و اید	مدنیز و اید و اید و اید
کتاب حکم اید و اید و اید	کله هر با کرم اید و اید
بوالله و اید و اید و اید	اول و اید و اید و اید
صواب و اید و اید و اید	علیه و اید و اید و اید
عزوه اهل تقوی و اید و اید	کرامت و اید و اید و اید

بدرستی و در حق بیستون و مائیک  
کتب در معتبره به یوم افضل  
صاحب و تا بین اهل کرامه  
مکملین عوامه ای مکمل  
شله حدیث و او کینه و اید  
ایچونیز و حکم غیر کاف  
کلمات و لحظه در شبیهه  
بوی انکار و اید و قوم بلهه  
اول حقه سوان قاصی و  
بدرستی و در المقدون غایت  
بلاد دعوی و تفریق عاده  
ذکله و تجزیه در بر کرامت  
کتاب و سنه و مشد و حکایت  
ظهور بر مرید و ایدی کرامت  
حضور و مشد و اید و اید  
کرامت و اید و اید و اید  
مدنیز و اید و اید و اید  
کله هر با کرم اید و اید  
اول و اید و اید و اید  
علیه و اید و اید و اید  
کرامت و اید و اید و اید



در بیان

پیرانشا احوال و بیادان ظهور خرقی عاده انقیادان

**در بیان الضراسه**

<p>قراست باقل سرهای رسیده          بیانشه و لان خیم فرامست          گیم نسه اکل و شرب نه تجرد          بولیا و ادرسه ششیر زغلی          اولور و منده کافور و بوالا          اطبار و حقیقه فرامست          ایدر بولیا استدلا کاهی          بولیا عیاشا و بولیا عقیقه قوت          خدا آمد سخن خرق عاده          ایوب بلیس مستور جفا نه          ایوب فرعون مالک مصر          سخن ایدر شوی آب نیلی          نه فرست و بر و خا و خاک          خیم اریسک کورد یکی و خیال          چقدار بجز من اقرضوه          ایوب رضو و مال امر هر بار          کنوز اضل و خیمه روانه          ایدر خیل ایدر بکن اده خیمه ایجا          بر استدر چده بعضی متلاور</p>	<p>کرمانه ایمانیت بسیدر          کرک اریا شحفظ و هر است          بدندان نمکن اولد قیه تفرود          تجرد ایدر کیه مقدری کشفی          اولور و بیسنا تر دلاکت          اولور ایشی ایدر خلق اولد دلاکت          کدی بولیا بولیا در حکم الهی          جمود العین بولیا بولیا و ت          قضای حاجت ایدر اراده          و ریب قده کاسل نمکانه          عسار فی ایدر کس کل کسری          روانندی نه سمته اولد نیلی          موار و لیدی بر نیلی چار باران          خوار قدان اولور کال کمال          دو شمار و خیمه تفرود بولیا          اولد اریا ایدر نیات ایدر اطوار          اولور ایدر بوز ویر جمله جفا نه          حقیقه اولد و جلا شیا          دکل لطف و کرم فیر و بولیا</p>
--	---

**در بیان من رب الاطیاء صمیم القدر**

اولد رستم

اولد رستم  
 سقوا لمر و نوری و المان  
 و المفضل بو بکر است  
 و اولد فیصله اولد  
 اولد رستم نه انوار  
 کور نوبت علی المرتضی  
 خلافت و نور شیا و نه  
 اولد رستم تمام اولد  
**در بیان ح**  
 استخرا لمر و نوری  
 اولد رستم اولد  
 اولد رستم اولد  
 اولد رستم اولد  
 اولد رستم اولد  
 اولد رستم اولد  
 اولد رستم اولد  
**در بیان افضل**  
 اولد رستم اولد



در بیدار بر سوز مهر کز خلاق شرع شی کلز و لیدن بود احوال امتداد تصدیق ابو یکر و لیدن ما عدانک حیا کین جلیله اکمل مفضل در بولردن ما عدان بود حق استقامت جرم ناقص او تون دن سکرة و تونر امانت	دین تبه ده ابر من نیسته سقط امر و نوز و المار و لیدن دلیل افضل بو بکر الصدوق عز و فضلید اولیا ناک بولردن سکرة و نوز افضل کلوب نوبت علی المرتضاه خلاقه بو تریک و ذره و قمع او تون بیده تمام اولدی غلامت
---	---

کنجیسی  
۲  
امارت  
۴

<b>در بیان خیر و شر و ف</b>	
میزد و صحابید کرامی رسول الله قیلور خیر و خیر سید ان یوفی بو عبید بود مشر و بکر مشر سده مشتر خصم بید بشو بوز اوده ابو رجنت فسادت بیادان شیان عمل جنت ایچ سید کیر رجنته بود ریخته اولسه جرم خشنله و سولم خشنه قیلور اولی قده غیوم	اشته جمل فرعون قرق کلامی اون اولی اده ارون اسمیل تقیر بیر و چار بار و طلی و سعید ایچ بولون ایچ قرآن اول بوز دو بیستایدن تحت شجر ده بتول فاطمه اهل بیادان حسل و شش سینه زچید دو صدایقه عایشه و حکنه عمری سائر توابع رسوله تو سار صحابه ذکر خیرم
<b>در بیان افضل الا قد بعد الصحابه زمره استقام</b>	
حقوق نابین و دوتو سار	بانه افضل بعد الصحابه

عاده انقیادین  
ما نیت سید  
حفظ و حرمت  
اولدیه تفری  
قداری کشفی  
نزدک است  
مخلوق بولور  
در حکم الهی  
اول غیا و  
فایز ارا ده  
تکلیف نکانه  
تکلیف کسری  
سینه اولی  
بل چار یا  
کله خیالی  
تفریق بیادان  
نات اطار  
محل جفانه  
بیرا شیا  
مقر و بلاد  
صوم الله

ولیدتم







۲  
بر نوبت

نقدی بر حرمه بنو الهی یکیده	نقدی بر بزرگ طغوز ده
حدیثی بر نوری طو تشوی جهان	مدینه عالی مالک زویا فی
تلمیح بر سکنه دهره واری	سنن نوری شیشه آری بی
برقعه عالمه انواع کد حرف	وقایع قطع تا چشمه هجرت
جهان کده بدان شریفه	وفاات از کوی بلده بر حقیقه
ایدو بیاد کده کاندیس	بجز شایسته این ادویس
تمامی بر روی الهی دورد	اندک از این بر پیشه و کشنده
اولاد شاکری محمد بن حبیل	نصایح فصل در استاد اکمل

**در بیان المجتهدین رحمهم الله تعالی**

برو مستبط حکم شرعیست	گروه مجتهدان و در حقیقت
اصولیه فروعی ضبط اید لر	بولا در مجتهد و از شرع دیر لر
ذموی بکشتند از محمد کتیرن	پروردگار کفیلیدا تمیرن
قیاسیه در دوره بذلتحت	کتابت و سنت و اجماع اامت
فروعی برین قوانین مجتهد	امام اعظم ایوب و یحیی و یحیی
چهار شریک بر یافته قواعد	بزرگواران حکامه شراهد
ابو یوسف و محمد کجی و جوف کس	یکدیگر مجتهد مذهبیه در سس
فروعنده در بجز اختلافی	ایدو استایند بعضی خلا فی
بود تحقیق و اید اعتساقه	اصولیه و کلامی در خلا فیه
علی اکبر و یحیی در جوف افاضل	اچون مجتهد مد فی المسائل
ذکر آثار و خلا فی اهتمامه	المجتهدین و فروعنده امامیه
بزرگوار بعضی جزئیه مطابق	امام اعظم اصولیه موا افتق

نقدی بر بزرگ طغوز ده  
مدینه عالی مالک زویا فی  
سنن نوری شیشه آری بی  
وقایع قطع تا چشمه هجرت  
وفاات از کوی بلده بر حقیقه  
بجز شایسته این ادویس  
اندک از این بر پیشه و کشنده  
نصایح فصل در استاد اکمل  
گروه مجتهدان و در حقیقت  
بولا در مجتهد و از شرع دیر لر  
پروردگار کفیلیدا تمیرن  
کتابت و سنت و اجماع اامت  
امام اعظم ایوب و یحیی و یحیی  
بزرگواران حکامه شراهد  
یکدیگر مجتهد مذهبیه در سس  
ایدو استایند بعضی خلا فی  
اصولیه و کلامی در خلا فیه  
اچون مجتهد مد فی المسائل  
المجتهدین و فروعنده امامیه  
امام اعظم اصولیه موا افتق



در بیان فصل

حققت اولی و اولی فصل اول  
موسسه و مکه که هر موی  
بناهای بگوشیدن اولی  
خوابیدان بنید اولی  
پودرسج اولی  
پولیان اولی  
عزایب اولی  
کله اولی  
دی اولی  
دشمن اولی  
مکتب اولی  
دلیل اولی  
مدیران اولی  
شعبه اولی  
مستور اولی  
مربوب اولی  
کاهک اولی  
قدت اولی  
لویه اولی  
تجاولی

اولی در جزئی استقامت قادر  
کمال اختیاری متکسر بود  
اعمال کفری کفری غیر صحیح  
فروغ و مبین اولی  
ایکلی قسری کله اولی  
بولی کشتی اولی  
بودار قوی دیه جهور قاسه  
قوی سوزدن شعیفه قهقاز  
شوزان اولی  
تکله و معتبر اسم و رسمی

در این

اعمالند از بویکن نثر ظاهر  
مقدار جمله و برده مخصوص  
اولی قسمی با اصل صحیح  
بولی کشتی اولی  
اولی کفری صحیح ای برادر  
قدت کفری صحیح هدایه  
بودار قوی دیه جهور قاسه  
ایکلی قسری کله اولی  
بولی کشتی اولی  
کله و معتبر کفری قاسه  
مقدار کفری صحیح قسری

در بیان نصب الامام

بودار امامی صاحب  
اولی محتاج بر مسلم امامه  
اولی تقوی احکام اولی قادر  
دلیل مسلم اولی  
کله لازم نظام انتظامه  
امام اولی نماز معزول  
تاریخ کفری و فاجیر

امام فضل بیکله و خفته قادر  
امور مسلم اولی امامه  
توسیع مکتب حضرت ظاهر  
کله شیطانی امامی مسلم امامه  
زمانه افضل اولی امامه  
امام اولی رسد جهور و کله  
کله دیدی رسول و قادر

در بیان المسج بر مختلف

حدیثه محققه حواری  
جزئی اولی امامی

ایکلی کفری و صحیح استیلا  
حسن بر شیطانی و کله



در بیان فضل اماکن

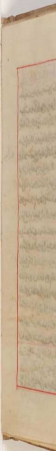
مزیاد اولو اولور اولور سه فاضل این	حققت اولور فضل اماکن
شرق اولور شرق اولور سه فاضل این	موسسه و عمارت هر دو انبساط
شرق شرق اولور سه فاضل این	بها عمارت بگوشدن اولور انقباض
نیز درجه اولور اولور سه فاضل این	حریم اولور نیز درجه اولور سه فاضل این
ایچ اولور در انقباض اولور سه فاضل این	بود و سه فاضل اولور انقباض اولور سه فاضل این
اولور و مسجده بانان نائل	بویغما اولور بویغما اولور سه فاضل این
عموم نصیب اولور سه فاضل این	عمل کتاب و کتاب اولور سه فاضل این
مختصر بود و در اولور سه فاضل این	کمال حدوم اولور انقباض اولور سه فاضل این
کتاب و مستطاب اولور سه فاضل این	در حق اولور حق اولور سه فاضل این
امام عظم بود و در اولور سه فاضل این	در شایسته بود و در اولور سه فاضل این
خطا اولور سه فاضل این	مطرب بود و در اولور سه فاضل این
که حق بود و اولور سه فاضل این	دلیل بحد نسبت بود و در اولور سه فاضل این
که اما از نفع چون تحقیق	در یلدون دعا و هم تصدیق
عدوله ظاهر اماکن حجاب	نصف ظاهر اولور سه فاضل این
بر لا که از من کسی کفر بطنیان	نقص بود و در اولور سه فاضل این
اولور کفر و ضلالت اولور سه فاضل این	طریق باش سدید اولور سه فاضل این
نیز در گشته بود و در اولور سه فاضل این	کنا هک و بستون طریقه فضیلتان

قد تمنا السخیر المظلوم المبارک فی حقها انما اهل سنت و الجماعة  
 الحیده را با اهلین و مسلمانی که سیدنا محمد و علی و اوصیایه جمعیان  
 بیجا کرد و بیغما بود و در اولور سه فاضل این و اولور سه فاضل این

در بیان فضل اماکن  
 حقیقت اولور فضل اماکن  
 موسسه و عمارت هر دو انبساط  
 بها عمارت بگوشدن اولور انقباض  
 حریم اولور نیز درجه اولور سه فاضل این  
 بود و سه فاضل اولور انقباض اولور سه فاضل این  
 بویغما اولور بویغما اولور سه فاضل این  
 عمل کتاب و کتاب اولور سه فاضل این  
 کمال حدوم اولور انقباض اولور سه فاضل این  
 در حق اولور حق اولور سه فاضل این  
 در شایسته بود و در اولور سه فاضل این  
 مطرب بود و در اولور سه فاضل این  
 دلیل بحد نسبت بود و در اولور سه فاضل این  
 در یلدون دعا و هم تصدیق  
 نصف ظاهر اولور سه فاضل این  
 نقص بود و در اولور سه فاضل این  
 طریق باش سدید اولور سه فاضل این  
 کنا هک و بستون طریقه فضیلتان



المنشور	المنشور
في سنة ١٢٠٠	في سنة ١٢٠٠
منه	منه
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور
المنشور	المنشور



سورة الفاتحة



51